بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيم‏

 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ‏ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَيِّدَنَا وَ نَبِیِّنَا أبُوالقَاسِم مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَی أهْلِ بَیْتِ الطّاهِرين وَ لَعْنَةُ اللهِ عَلی اَعْدَائِهِم اَجمَعينْ

کسی مستطیع بوده و قبل از اینکه به مکه برود از دنیا رفته.حالا وراث میخوان براش حج بگیرن میگن آیا حج بلدی ما وظیفه داریم بگیریم یا حج میقاتی؟اینجا اگر چنانچه خودش وصیت نکرده وراث می دانند که حج در ذمّه اش هست ولی خودش وصیت نکرده چون وصیت ندارد اینجا می توانند مخیرند حج بلدی یا میقاتی حج میقاتی میگیرند کافیه چون عرض شد که اون شب حج میقاتی با بلدی از جهت هزینه اش خب خیلی فرق میکنه حالا کسی بخوان از بلد از شهر خودش بگیرند ممکنه یک میلیون تومن خرج کنند تا نائب بگیرند اما از میقات بخوان بگیرند ارزانتر خیلی ارزانتر تمام میشه از همین افرادی که توی کاروان می روند و حج واجب در ذمۀ خودشان نیست خب اونها می توانند خب حج که باید انجام بدن مبلغی میگیرند حالا ده تومن پانزده تومن بیست تومن بیشتر کمتر می گیرند و به نیابت حج انجام میدهند دیگه.در این صورت حج میقاتی کافیه نیازی به حج بلدی با این هزینه اش نیست چون وصیت نکرده وراث می دانند که حج در ذمه اش هست منتهی وصیت نکرده اینا میقاتی کافیه.اما اگر وصیت کرده اگر وصیت دارد گاهی خودش قید می کند که هر چی بلدی بگیری خب اینجا باید طبق همون عمل بشه یا قید کرده که حج میقاتی بگیرید باز هم طبق همون قیدش عمل بشه.اگر وصیت کرده ولی قید ندارد معین نکرده که بلدی یا میقاتی اینجا هم آقایان می فرمایند که ظهور در حج بلدی دارد چون وصیت کرده یا قید هم نکرده این خود وصیت ظهور در همون حج بلدی داره حج بلدی باید براش بگیره ولی حالا یه مسئلۀ دیگه پرسیدند که کسی خودش مکه رفته اهل نماز و روزه و اینها بوده خودش مکه رفته ولی بعد باز وصیت کرده که برای من حج بگیرید نائب بگیرید حالا اینجا ما چجور حج بگیریم حج مستحبی براش بگیریم یا حج واجبی داشته مثلا احتیاط کرده اینجا هم اگر وصیتی که کرده اگر قیدی دارد در وصیتش گفته حج مستحبی برام بگیرید خب مستحقشه اگر قید کرده به اینکه حج انجام داده ام ولی احتیاطا میخوام دوباره اعاده بشه خب انجام بدن و اگر نه قیدی ندارد خودش مکه رفته بعد وصیت هم کرده برام حج بگیرید اینجا خب ظاهرش اینه که همون حجة الاسلام را خواسته احتیاطا

اعاده بشه دیگه اینم باز ظهور داره در حج واجب احتیاطی.یعنی همون حجة الاسلام را خودش انجام داده وصیت کرده ظاهر وصیت این بوده که همون حجة الاسلام را احتیاطا اعاده کنند.ولذا لازم هست که حج بگیرند طبق وصیت و حج احتیاطی.حجة الاسلام احتیاطی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لَا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الأرضِ وَ لَا فَسَادًا وَ العَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ[[1]](#footnote-1)

بعد از قصۀ قارون که خداوند حکیم در سورۀ قصص نقل فرموده بعد این یک مطلب بسیار اساسی و هشدار دهنده است که چه کسانی در عالم آخرت رستگارند؟ اولا که خود قصۀ قارون در قرآن نشان می دهد که دین مقدس اسلام طرفدار مستکبران و سرمایه داران و اینها نیست این که گاهی بعضی متهم می کنند اسلام و قرآن طرفدار مستکبران هست و حامیه سرمایه داران هست و خود این نقل قصّۀ قارون خب روشنترین دلیله برای اینکه خداوند تخطئه کرده سرمایه دارانی که به این کیفیت باشند.در مسیر دنیا فقط باشند در مسیر آخرت فقط نباشند شکی درش نیست مستکبرها و ثروتمندها و سرمایه دارهای افراطی که هیچگونه گرایش آخرتی ندارند خب در قرآن محکومند یا مذمومند در این شکی نیست فَخَسَفنَا بِهِ وَ بِدَارِهِ الأرض [[2]](#footnote-2) تمام زندگی شان چه بسا در این دنیا نابود میشه تا برسه به آخرتشان.از آن طرف که طرفدار فقر هم نیست یعنی ضد ثروت هم نیست اسلام ضد ثروت باشه ضد مال باشه ضد دنیا باشه اینجور هم نیست بلکه فقر هم در بیانات معصومین علیهم السلام تخطئه شده تا تحذیر شده در اون وصیتی که امام امیر المومنین دارند نسبت به فرزندشان ابن حنفیه اونجا داره یا بُنَیّ إنِّی أَخَافُ عَلیکَ الفَقر[[3]](#footnote-3) فرزندم من از فقر بر تو می ترسم.می ترسم که فقر در دنیا گریبان گیرت شود إنِّی أَخَافُ عَلیکَ الفَقر فَاسْتَعِذْ بِاللهِ مِنْهُ به خدا پناه ببر از فقر.یعنی همیشه مراقب باش که به فقر مبتلا نشوی فَإِنَّ الفَقر مَنْقَصَةٌ لِلدِّینِ مَدْهَشَةٌ لِلعَقل دَاعِیَةٌ لِلْمَقْتِ فقر در دین آدم نقصان ایجاد می کند.فقیر شد و بعد صابر هم نیست و قوت ایمانش خیلی هم محکم نیست این قهرا مبتلا میشه به دروغ تدلیس خیانت تملق خب اینها دین آدم را از بین میبره.خب فقیر به این کیفیت باشه مَنْقَصَةٌ لِلدِّینِ درغگو درمیاد خائن درمیاد دزد درمیاد و و از اون طرف مَدْهَشَةٌ لِلعَقل چه بسا آدمی را اصلا فکر انسان را خراب می کند و حالت حیرت و سرگردانی درش پیدا میشه کجا بروم و چکار بکنم مثلا متحیر و سرگردان میشه فقر باعث میشه که فکر آدم راکد بشه نمیتونه کار کنه عقل را دهشت و سرگردانی و حیرت ایجاد می کند و دَاعِیَةٌ لِلْمَقْتِ و باعث می شود که در دل دیگران هم بغضی عداوتی پیدا کند چه بسا خب وقتی که فقیر شد حسد هم می ورزد به کسانی که پول دارند خب اون باعث میشه دشمنش بشه دنبال اونها هی بد میگه توبیخ می کند لعنت و نفرت داره به اونها قهرا اونها هم بدشان میاد یا مزاحمه احساس می کنند که هی انسان میخواد بگه بیاد سراغ اونها و ازشان پول میخواد تقاضایی داره ازشان می گریزند قهرا موجب می شود که مَقت و دشمنی و عداوت در دل ها پیدا بشود خودش با اونها دشمن میشه اونها هم با این دشمن میشه امام علی علیه السلام این سه تا عیب را نشان می دهد یا بُنَیّ إنِّی أَخَافُ عَلیکَ الفَقر فَاسْتَعِذْ بِاللهِ مِنْهُ به پناه خدا برو که به فقر مبتلا نشوی فَإِنَّ الفَقر مَنْقَصَةٌ لِلدِّینِ مَدْهَشَةٌ لِلعَقل دَاعِیَةٌ لِلْمَقْتِ خب پس اسلام نه طرفدار سرمایه داران افراطیه نه طرفدار فقره بلکه دستور می دهد کاسب باش تاجر باش فعال باش کَلِّ بر مردم نباش مَلعُونٌ مَن أَلقَی کَلَّهُ عَلَی النَّاس [[4]](#footnote-4)1 هر که بار زندگی اش را بر دوش مردم بیافکند مورد لعنت خداست از اون طرف التاجر حبیب الله مثلا الکاسب حبیب الله اینها را اینهمه داریم در اسلام نه طرفدار فقر است نه طرفدار سرمایه داران هست.اینجور نیست بلکه دستوری دارد در معاش و زندگی نِعمَ العمر علی فی طلبِ الآخره خوب کمکی ست دنیا برای آخرت اگر کسی دنیا دارد مال دارد ثروت دارد امکانات دارد ولی عاقله در مسیر آخرت طلبی به کار می افکند نِعمَ العُمر خوب کمکی ست دنیا پول مال کمک خوبیه برای آخرت.مرد آمد خدمت حضرت صادق علیه السلام گفت آقا ما طلب می کنیم دنیا را دنبال دنیا می رویم می ترسیم که دنیا پرست حساب بشویم فرمود که خب برای چی دنبال پول می روید؟چیکار کنی؟خب میخوام بروم پول داشته باشم هم معاش خودم را تامین کنم هم معاش خانواده ام را تامین کنم آبروی خودم محفوظ بماند انفاق کنم در راه خدا.مستمندها را دستشان را بگیرم انفاق کنم در راه خدا.فرمود این دنیا طلبی نیست این آخرت طلبیه همین که دنبال پول می روید دنبال مال می روید به این نیت که آبرو را حفظ کنی معاش خودت و خانواده ات تأمین بشود و در راه خدا انفاق کنی و اون درجاتی که منفقین می رسند شما هم برسید این دنیا طلبی نیست این آخرت طلبیه.پس اینها را می دانیم که در قرآن کریم و در منطق اسلام اینجوره نه دنیا را می کوبد نه سرمایه دارها ازشان طرفداری می کند نه فقرا را ازشان طرفداری می کند الفقر سَوادُ الوَجهِ فِی الدّارَینِ[[5]](#footnote-5)1 روسیاهی می شود تا کَادَ الفَقرُ أَن یَکُونَ کُفْراً[[6]](#footnote-6)2 الفقر فخری هم اگر فرمودند مطلب دیگریه. اون نیاز به ذات اقدس حق داشتن است بله اون فقری که مدح شده اون کسی ست که می تواند به دنیا برسد نمیخواد داشته باشه.راه های دنیا طلبی زیاد دارد می تواند پول بدست بیاورد نمیخواد داشته باشه نمیخواد تعلق پیدا کنه خب این خوبه.حضرت علی علیه السلام فقیر بود اما نه اینکه نمی توانست دستش نمی رسید اینجور نبود نمیخواست داشته باشه اگر هم گیرش می آمد زیاد هم گیرش می آمد در جنگ ها از غنائم جنگی زیاد بهره می بردند تقسیم میشد غنائم جنگی گاهی یک سپر پر طلا و نقره نصیبش میشد و همون ها را به فقرا میداد و چیزی در زندگی خودش نبود همون کسی که احداث قنات می کرد و بعد درخت ها بوحود می آورد محصول فراوانی داشت در عین حال توو زندگی چیزی نداشت زندگی خودش همان نان جو بود و حصیر توو خانه اش بود فقیر بود یعنی کسی زندگی اش را نگاه می کرد نداشت اما نداشت خودش نمی خواست داشته باشه این غیر آدمی ست که در خواب هم خواب پول میبینه.آرزو میکنه به پول برسه منتهی نمیرسه هر چه تقلی می کند این طرف اون طرف نمیرسه این فقر که فخر نیست این بدبختیه این همش عشق به پول دارد.این فقر بدبختیه اما اون فقری که الفقر فخری اونه یعنی چنان ملکۀ تقوا و رادعه درش پیدا شده اصلا تعلق به دنیا ندارد نمیخواد داشته باشه خودش از خودش دور می کند خودش خودش را نا دار می کند.نه اینکه میخواهد دارا بشود و ندارد خیلی فرقه بین این دو مطلب.حالا بعد از این قصه تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لَا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الأرضِ وَ لَا فَسَادًا اول که این قارون علو و طلب را ذکر کرده و بعد هم به چه بلا مبتلا شده و عاقبت به چه مبتلا خواهد شد حالا این مطلب خیلی سنگینیه.خلاصه عالم آخرت مال اون کسی ست که نمی خواهد علو در دنیا داشته باشه برتری جویی ندارد این خیلی سنگینه یه وقت کسی برتری جو نیست اما دلش میخواد داشته باشه حالا براش پیش نمیاد مثلا اما دلش میخواد برتری داشته باشه همش فرمان بده بله من گفته ام باید چنین باشه میخواد اینجور باشه یُرِیدُونَ واقعا خیلی سنگینه اگر احساس کند که در من این روحیه هست یا نیست.دلم میخواهد جلو بیفتد یا نه از اینکه دیگری جلو بیفتد من ناراحت می شوم یا نه دلم میخواد جلو بیفتم دیگه میخواهد خب این خواستن ظلمت می آورد معلوم می شود لَا یُرِید نگفته لا یَعلُون تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لَا یَعلُون یا اینکه نه لَا یُرِیدُونَ عُلُوًّا خیلی فرقه.یکی علو ندارد اما ارادۀ علو دارد میخواد داشته باشه از این جهت فرمان بدهم ببرن خوشم میاد ولو در کوچکترین جایی باشه مثلا در خانۀ خودش مثلا.حالا دستش به هیچ جا نمیرسه نمیتونه وکیل بشه نه وزیر بشه نه رئیس بشه اما توو خانه اش میخواد فرمان بده به زنش به بچه اش فرمان بده که اگر حتی یه زن و بچه اش یه حرفی بزند که حق هم باشه نمیخواهد بپذیرد حالت علو طلبی درش هست نمیخواد قبول کنه برای من کسر شانه که زن من نظری داده در فلان مطلب من قبولش کنم یا فرزند من یه نظر حقی داده حرف درستی هم میزنه ولی نمیخواد قبول کنه این خیلی خطرناکه یعنی مبتلا به خیلی از ماهاست.یعنی هر کسی اندک دقت کنه به همین درد مبتلاست یعنی واقعا ارادۀ علو دارد میخواد حالا گاهی دستش نمیرسه کسی فرمانبرشه میخواد داشته باشه یه آقایی سال ها پیش میگفت رفتم یکی از مسجد ها که اونوقت لوله کشی ها نبود و آفتابه بود پر می کردند می بردند کسی اونجا نشسته بود آفتابه داری می کرد که ببرند مردم آفتابه ببرند مردم یه چوب برداشته بود زد به دستم گفت اینو برندارد من برداشتم سریع چون عجله داشتم برگشتم گفتم پدر جان چه فرقی داره آفتابست دیگه همه شان آب داره دیگه گفت پس من این جا چه کاره ام؟یعنی من اینجا نشسته ام باید فرمان بدهم دیگه.یه چوب بلند دستش گرفته میگه اینو برندار اونو بردار هیچ فرقی هم نداره اما چه کنیم فرمان دادن هم یه مطلبیه دیگه.در همون فضای زندگی خودش فرمان بده مرد در خانۀ خودش میخواد فرمان بده کارفرما در کارخانه میخواد فرمان بده این فرماندهی خودش ظلمت می آورد یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الأرضِ از اون آیاتی ست که می شود استفاده کرد که تصمیم گناه خودش ظلمت می آورد ولو اینکه گناه انجام نشه.خود نیت گناه آخه انسان تصمیم میگیره گناه انجام بده بعد نمیشه انجام نمی دهد بعضی گفته اند این گناه ندارد عقاب ندارد اما باید اون جایی باشد که کسی تصمیم گرفت گناه انجام بده بعد از خدا ترسید که واقعا انجام ندادم از خوف خدا.خب بله اینجا گناه نداره خود اون نیت گناه نداره بلکه ثواب هم داره توبه کرده توبۀ قلبی دیگه کار انجام نداده اما همین که تصمیم گرفته و از خوف خدا برگشته این نه تنها گناه نداره ثواب هم داره اما اون کسی که تصمیم دارد گناه انجام بده اما اون کسی که تصمیم دارد گناه انجام بده و نشد کسی آمد مانع شد مثلا نتوانست این حتما آثِمٌ قَلبُهُ [[7]](#footnote-7)1خود قرآن داره آثِمٌ قَلبُهُ این آدم قلبش گنهکاره ولو اینکه خودش عملا گناه نکرده مرتکب نشده ولی چرا نشده؟اون ظلمت درش هست اون ظلمت قلبی درش هست که اگر مانع نبود انجام میداد آثِمٌ قَلبُهُ این آیه هم داریم وَ إِن تُبْدُوا مَا فِی أَنفُسِکُم أَوْ تُخفُوهُ یُحَاسِبکُم بِهِ الله[[8]](#footnote-8)2 مَا فِی أَنفُسِکُم در قلبه دیگه اونی که در دل دارید در درون دارید اونی که در درون دارید چه اخفا بکنید به عمل نیاورید چه اظهار کنید به عمل بیاورید اونی که در قلب دارید مورد مؤاخذه است وَ إِن تُبْدُوا مَا فِی أَنفُسِکُم أَوْ تُخفُوهُ یُحَاسِبکُم بِهِ الله منتهی فَیَغفِرُ لِمَن یَشَاءُ وَ یُعَذِّبُ مَن یَشاءُ[[9]](#footnote-9)3 اگر اون تصمیمش که بود برگشت بخاطر خدا بوده یا نبوده اگر بخاطر خدا نبوده یُعَذِّبُ بخاطر همون بخاطر همون مَا فِی أَنفُسِ مربوطه به عمل ظاهری مربوط نیست مَا فِی أَنفُسِ اونی که در درون دارید اون اگر اظهار نکردید در درون هست مورد مؤاخذه هست منتهی یَغفِرُ أَو یُعَذِّبُ یَغفِرُ برای اون کسی ست که برگشته به خاطر خدا منصرف شده یُعَذِّبُ بخاطر خدا منصرف نشده اگر باز هم پیش بیاد انجام میده حالا این آیه هم میشه ازش استنباط کرد تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَةُ مال کسی ست که لَا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الأرضِ نمی خواهد عُلُو داشته باشه نه اینکه عُلُو ندارد ممکنه علو نداشته باشه ولی خب میخواهد پیش نیامده. تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَةُ لازمه انسان همیشه با خودش ور برود کنجکاوی کنه آقا من چجوری ام ما می خواهیم تابع قرآن باشیم قرآن میگه اگر اراده و خواست علو در جانتان باشد این آخرت ندارید سیاه است قلب ظلمانیه.عالم آخرت مال قلب سلیمه مَن أَتَی اللهَ بِقَلبٍ سَلیمٍ[[10]](#footnote-10)1 مَن أَتَی اللهَ بِقَلبٍ منیب.باید قلب سلیم باشه قلب منیب باشه خب این آدمی که قلبش ظلمت داره نتوانسته اند انجام بده در عمل نیاورده این قلب، قلب سلیم نیست این قلب، قلب منیب نیست.ولذا امام صادق علیه السلام این آیه را وقتی خواندند حالا یا چند بار خواندند یا خواندند و گریه کردند همین آیه را امام صادق علیه السلام گریه کرد ذَهَبَت واللهِ أَمانِی إنَّ هَذِهِ الآیة[[11]](#footnote-11)2 بخدا قسم کنار این آیه بسیاری از آرزوها فانی می شود خیلی آدم آرزو داره آرزو دارم در عالم آخرت به کجا برسم بهشتی بشوم غرفه های عالی بهشتی دارم نماز خوب می خوانم روزه خوب می گیرم حج می روم انفاقات دارم خیلی آرزوها داریم اما خبر نداریم یک بیماری مهلک در درون جان ما هست که ریشه اش را می سوزاند همین آرزوها ذَهَبَت واللهِ أَمانِی إنَّ هَذِهِ الآیة بخدا قسم آرزوها کنار این آیه بر باد رفته است برای اینکه این آیه نشان می دهد باید اینجور باشید نخواهید علو را نخواهید من فرمان بدهم فرمان ببرد دیگری از من اینجور نباشید حالا توو خانۀ خودتان به زن خودتان به فرزند خودتان به کارگر خودتان هر که می خواهد باشد حالا تا برسه آدم به اینکه وکیل بشه وزیر بشه رئیس بشه خب دایره وسیع تر میشه خیلی خطرناک میشه

آخِرُ مَا یَخرُجُ مِن قُلُوبِ الصِّدِّیقینَ حُبُّ الجاه[[12]](#footnote-12)3 این حب و جاه همینه دیگه بقدری ریشه دار است کسانی که میخوان خودشونو تهذیب کنن حالا نه مثل بنده ای که در حال غفلته اونی که در حال بیداریه خودش را میخواد تهذیب کند یکی یکی به اون رذائل خلقیه اش رسیدگی می کند آخرین رذیله ای که می توانند صدیقین از قلب خود اگر بتوانند بیرون ببرند حب الجاه هست.جاه طلبی.ریاست طلبی دلم می خواهد فرمانروا باشم در هر جا دلم می خواهد حرف مرا بشنوند پیش بروم جلو بیفتم عقب نمانم کسی که اینها را داشته باشه حب الجاهه.صدیقین کسانی که در فکر خودشان هستند میخوان یکی یکی رذائل را از بین ببرند بیماری های درونی را به بهبودی بیاورد آخرین بیماری که بتوانند از قلب ریشه کن کنند اینه حب الجاهه.در حالات مرحوم فشارکی خواندم سید محمد فشارکی رضوان الله تعالی علیه استاد مرحوم حائری بود استاد ایشان بود و شاگرد مرحوم میرزای شیرازی.خب ایشان توی شاگردهای استادشان خیلی ... بودند حتی حاج شیخ کریم رضوان الله علیه گفته بودند که او اعلمه در بین شاگرد هاست.بعد از فوت مرحوم میرزا اونها معتقد بودند که او مرجع خواهد شد برای اینکه می دانستند هم مقام علمی اش را هم مقام تقوایی اش را ولی او زیر بار نمی رفت هر چه اصرار می کردند مرحوم حاج شیخ با یکی از علما فرمودند که ما همراهشان می رفتیم بهشان گفتیم که آقا ما می دانیم که شما اعلم از همۀ ماها هستید چرا حاضر نمی شوید فتوا به دست مردم بدهید ایشان سکوت می کرد چیزی نمی گفت تا اینکه رسیدیم به در خانه اش رفت داخل خانه اش شد و دست خود به چارچوب در زد و گفت من خودم می دانم که اعلم تر از شما هستم ولی در عین حال من فتوا نمی دهم برای اینکه این آیه جلوی من را گرفته

تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لَا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الأرضِ وَ لَا فَسَادًا[[13]](#footnote-13)1 کسی بخواهد علو داشته باشه میترسم من مصداق این آیه بشوم بعد گفت به خدا قسم فراموش نخواهم کرد این را گفته بود رفت داخل منزل بعد وقتی خواستند که جنازۀ مرحوم استادشان را بلند کنند خب می خواستند ایشان بیاد نماز بخوانند چون می دانستند که لیاقت مرجعیت داره دیدند که نیست گشتند دنبالش بعد که نماز خواندند حرکت دادند ایشان آمد گفتند کجا بودی؟گفت بله من دلم که بدم نمیاد من رئیس بشوم این بود رفتم در گوشۀ خلوتی نماز خواندم نماز استغاثۀ امام زمان توسل کردم به حضرت که این را از دل من بردارد که این نباشد لذا از دلم بیرون رفته و نمیخواهمش.خب حالا اون کسانی که احساس کردن تکلیف شرعی دارند گفتند بله ایشان نباشند من هستم یعنی هستند دیگران که قبول کنند چون هستند پس برای من واجب عینی که نیست که بگیم تکلیف من بود.هستند دیگران و من خودم نمیخواهم داشته باشم حالا آقایان دیگه احساس تکلیف کردن.حالا که فتوا دادن احساس تکلیف کردن یعنی شرعا وظیفه شان اینه ایشان هم که میگفت دیگران هستند واجب عینی من که نیست من طبق این آیه نمیخوام. منظور اینکه با خودشان کنجکاوی داشتن که دقیق بودند که نکند مشمول آیه واقع بشویم تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لَا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الأرضِ وَ لَا فَسَادًا وَ العَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ یعنی خیلی سنگینه متقین همون ها هستند نه کسی که ادعا کرد من تقوا دارم متقین همون ها هستند لَا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الأرضِ وَ لَا فَسَادًا نخواهد این خواست در قلبش نباشد دلش ضعف و غش نرود برای اینکه جلو بیفتم رئیس بشوم اینجور نباشه.

حالا امشبم که شب آخر سال و اول سال و فرمود رسول اکرم أَغفَلُ النّاس من لَم یَتَّعِظ بِتَغَیُّرِ الدُّنیا مِن حالٍ إلی حال [[14]](#footnote-14)1 غافل ترین مردم بدبخت اون آدمی ست که از این تحولات و تغیرات در دنیا عبرت نگیره.پند و نصیحت نگیره همچنان بماند با همین خواب غفلت تا ملک الموت به سراغش بیاد أَغفَلُ النّاس بدبخت ترین مردمند اینها.آدم اگر در زندگی خودش مطالعه کنه نکند ما هم مشمول همین باشیم مشمول این حدیث باشم.گوش ما گوش موعظه نبود گوش ما موعظه نمی شنود یه حالت سُکنی در آدم پیدا میشه با عالم مست گاهی اوقات همچین حالی در آدم پیدا میشه هر چه بهش میگن این گوش بدهکار نیست.این گوش صداش رو می شنود اما تکان نمی خورد

 گوش ما موعظت نیوش نبود ورنه هر ذره ای دهانی داشت

 خامۀ دهر بر شکوفه نوشت: هر بهاری ز پی خزانی داشت[[15]](#footnote-15)2

حالا بهار میاد گل ها شکوفه ها بالا میان

وَاضْرِب لَهُم مَثَلَ الحَیَاةِ الدُّنیا کَمَاءٍ أنزلناهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الأرضِ فأَصبَحَ هَشِیماً تَذْرُوهُ الرِّیاح [[16]](#footnote-16)3

می بینید که آب از آسمان میاد گل ها می رویند ولی گل همین چند روزه خشکیده می شود و باد می وزد و متلاشی می شود.دنیا همینه قرآن میگه دنیا همینه وَاضْرِب لَهُم مَثَلَ الحَیَاةِ الدُّنیا کَمَاءٍ أنزلناهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الأرضِ فأَصبَحَ هَشِیماً تَذْرُوهُ الرِّیاح[[17]](#footnote-17)1 حالا ما امشب میخوانیم مثلا موقع تحویل یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ یَا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ یَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَی أَحْسَنِ الْحَالِ یعنی شما باید از او بخواهید اون کسی که کرۀ زمین را سر ساعت و دقیقه و ثانیۀ معین تحویل درش ایجاد می کند از او بخواهید که این کرۀ قلب شما مغز شما را تحویل درش ایجاد کند.عاقل و هوشمند اون کسی ست که از این تحویل کرۀ زمین یه تکانی بخورد یه تحویل کرۀ مغزش هم جانش هم سرایت بده که اون هم تکان بخورد دیگه نه فقط کرۀ زمین تکان بخوره خود مغز هم تحویل پیدا کنه منتهی تحویل در این اضطراریه تحویل جان آدم اختیاری باید باشه اون مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ هست اما همینجوری با آرزو نمیشه که او کرۀ زمین را متحول می کند او می تواند قلب شما را هم متحول بکند منتهی تحول زمین اضطراریست تکوینیه با دعای تنها نمیشه از ما خواسته اند که شما هم دل خود را منقلب کنید کرۀ زمین را تکوینا منقلب می کند اما کرۀ جان شما باید اختیارا باید منقلب بشه. إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ [[18]](#footnote-18)2در مداری که او معین کرده بچرخه اگر این شد عیدش فرا رسیده و الا این عید برای نباتاته.مال انسانها نیست.عید انسانها وقتی ست که بر محور خودش که محور امامت و ولایت امام عصر ارواحنا فداه هست بچرخد اگر این شد بله عیدش فرا می رسد إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ باید اون تحول اونجا پیدا بشود. اَلْيَوْمُ اَلنَّيْرُوزُ فَقَالَ عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ «اِصْنَعُوا لَنَا كُلَّ يَوْمٍ نَيْرُوزاً[[19]](#footnote-19)3 این حلوا را حضرت علی علیه السلام فرمودند چیه؟گفتند نوروزه حلوا برای نوروز پخته شده فرمود که كُلَّ يَوْمٍ نَيْرُوزاً ما هر روز نوروز داریم روز کهنه نداریم همیشه در حال حرکتیم بر محور خودمان بر مدار خودمان در حال حرکتیم این عید برای موجودات دیگست ولی ما

 عارفان هر دمی دو عید کنند  عنکبوتان مگس قدید کنند

همیشه در حال حرکتند برای اینکه از نقصان منتقل می شوند عیدی دارند به کمال بعدی می رسند عید دیگری دارند بله عارفان هر دمی دو عید کنند عید واقعی در اون صورته که حالا ما نمی دانیم چقدر می توانیم از عید خودمان بهره داشته باشیم از خدا می خواهیم به همان دعایی که می خوانیم دیگه مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ اوست مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ اوست مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ اوست او می تواند احوال بیاورد با آرزو نمیشه تنها با گفتن تبریک عرض می کنم عید شما مبارک صد سال به این سالها اینها شعره اینها چیزی نیست که بهم دیگر میگیم دیگه یا مثلا موقع تحویل میشه همه می نشینند چشم ها را می بندند و سر دقیقه برسه و بعد هم به سبزه نگاه کنند بله که همیشه سبز و خرم باشند شیرینی بخورند که همیشه کامشان شیرین باشه بعضی ها سکه ها دستشان میگیرند می چرخانند برای اینکه تا آخر سال هم جرنگ جرنگ پول به گوششان برسه مثلا همیشه سعادتمند باشند اینها نافع به حال آدم نیست اینها نمیشه انسان به عید برسه به سعادت برسه به مبارکی برسه تِلْکَ الدَّارُ الآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لَا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الأرضِ وَ لَا فَسَادًا وَ العَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ حالا تقریبا فردا شب هم شب زیارتی امام ابوالحسن الرضا علیه السلامه دیگه شب سوم ذیقعده روز سوم ذیقعده روز زیارتی امام رضا علیه السلامه خوشا به حال اون کسانی که مشرفند موفقند و هم سعادتمند اون کسانی که عازمند برای زیارت بیت الله الحرام و زیارت قبر مقدس پیغمبر اکرم و فاطمۀ زهرا علیه السلام و ائمۀ بقیع علیهم السلام اینها توفیقی ست که نصیبشان می شود باید قدر بدانند چون این ممکنه در تمام عمر یکبار نصیب آدم بشود ممکنه در تمام عمر یکبار بتواند کنار قبر مقدس پیغمبر اکرم برود کنار بیت الله برود ولی اونجاها باز شیطان وسوسه نکند انسان را دنبال سوغاتی خریدن و گردش و تفریح و این چند روز هم به این زودی تمام می شود و برمی گردند و دیگر نمی شود موفق بشه و لذا فقط قدر بدانند و هم طواف و هم نماز در مسجد الحرام و نماز در مسجد النبی و اون دعاهایی که هست و اون حضور قلب و اون وقوف در عرفات و امیدواریم همۀ اونها به سلامت بروند و موفق بشوند و با حج مقبول و سعی مشکور برگردند و ما هم مشمول ادعیه شان باشیم ان شاء الله.یه چند جمله هم زیارتی امام رضا علیه السلام

للَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى حالا ما که دستمان کوتاهه از همین جا عرض ادب به آستان اقدسشان می کنیم اَللّهُمَ صَلِّ عَلي علي بن مُوسَي الِّرِضا المَرُتَضي اَلاِمامِ التَّقيِّ النَّقيِّ وَ حُجَتِكَ عَلي مَن فَوقَ الاَرضِ و َمَن تَحت الثَّري اَلصِدّيقِ الشَّهيدِ صَلاةً كَثيرَةً تآمَّةً زاكِيَةً مُتَواصِلَةً مِتَواتِرَةً مُتَرادِفَة كَاَفضَلِ ما صَلَّيتَ عَلي اَحَدٍ مِن اوليائِكَ.

پروردگارا به حق امام ابوالحسن الرضا در فرج امام زمان تعجیل بفرما

گناهان ما را بیامرز

قلب های ما را به نور ایمان و یقین منور بفرما

معرفت و محبت اهل بیت را در دل های ما بیافزا

حسن عاقبت به همۀ ما عنایت بفرما

رحم الله من قرء الفاتحة مع الصلوات

1. .سورۀ قصص، آیۀ 83 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سورۀ قصص، آیۀ 81 [↑](#footnote-ref-2)
3. .نهج البلاغه، خطبۀ 319 [↑](#footnote-ref-3)
4. 1 .تحف العقول، ج1،ص37 [↑](#footnote-ref-4)
5. 1.عوالی اللآلی، 1/40/41 [↑](#footnote-ref-5)
6. 2.الکافی، جلد 2، صفحه 307 [↑](#footnote-ref-6)
7. 1.سورۀ بقره، آیۀ 283 [↑](#footnote-ref-7)
8. 2. سورۀ بقره، آیۀ 284 [↑](#footnote-ref-8)
9. 3.همان [↑](#footnote-ref-9)
10. 1 .سورۀ شعراء، آیۀ 89 [↑](#footnote-ref-10)
11. 2 .مستدرک الوسائل، ج4، ص 277 [↑](#footnote-ref-11)
12. 3 . شرح ابن ابی الحدید، ج 2، ص 181 [↑](#footnote-ref-12)
13. 1 . سورۀ قصص، آیۀ 83 [↑](#footnote-ref-13)
14. 1 .الامالی شیخ صدوق، ص 72 [↑](#footnote-ref-14)
15. 2 . پروین اعتصامی، قصیدۀ شمارۀ 15 [↑](#footnote-ref-15)
16. 3 . سورۀ کهف، آیۀ 45 [↑](#footnote-ref-16)
17. 1 . سورۀ کهف، آیۀ 45 [↑](#footnote-ref-17)
18. 2 . سورۀ رعد، آیۀ 11 [↑](#footnote-ref-18)
19. 3 .من لا یحضره الفقیه  ج۳ ص۳۰۰ [↑](#footnote-ref-19)